دوفصلنامه زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی دانشگاه شیراز

سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۵

صص ۵۳-۷۲

فرایند همگونی در زبان لاری

لیلا دیانت *

چکیده

همگونی یکی از مهم‌ترین و متداول‌ترین انواع فرایندهای واجی است که تقریبا در تمام زبان‌های دنیا پدیده‌ای رایج محسوب می‌شود. این مقاله به بررسی این فرایند واجی و انواع مختلف آن در زبان لاری می‌پردازد. در این زبان همگونی از سه بعد شباهت، پیوستگی و جهت بررسی شده است. بر همین اساس همگونی در زبان لاری شامل همگونی کامل و ناقص، همگونی پیوسته و ناپیوسته، همگونی پیش‌رو و پس‌رو می‌باشد. اما، برخلاف عقیده احمدنیا (۱۳۸۵) در این زبان همگونی دوسویه وجود ندارد. در این فرایندهای همگونی ممکن است همخوان با همخوان، همخوان با واکه، واکه با همخوان و یا واکه با واکه همگون شود. فرایند همگونی همخوان با همخوان شامل همگونی در واک، جایگاه تولید و شیوه تولید است. در همگونی همخوان با واکه، همگونی در جایگاه و شیوه تولید وجود دارد اما همگونی همخوان با واکه در زبان لاری وجود ندارد. اگرچه در برخی از پایان‌نامه‌های مربوط به زبان لاری به فرایند همگونی پرداخته شده اما این امر بسیار پراکنده و مختصر صورت گرفته و با چنین انسجامی به این موضوع پرداخته نشده است.

واژه‌های کلیدی: همگونی، زبان لاری، فرایند واجی.

* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه رازی کرمانشاه l.dianat@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۹/۰۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۱۱/۲۶

۱. مقدمه‌ای درباره لار و زبان لاری

«لار» در جنوب استان فارس واقع گردیده و از شمال به فیروزآباد، جهرم و داراب، از غرب به بوشهر، از شرق به بندرعباس و از جنوب به بندر لنگه محدود است. لار از نظر آب و هوایی منطقه‌ای گرم، خشک و کم باران است. «لاد» نام قدیم شهر لار بوده و عامل رونق و رشد این شهر، یکی به دلیل ضرب سکه‌های لارین و دیگری به علت پل ارتباطی سایر استان‌ها و شهرها به بندرعباس بوده است. زبان لاری در محدوده زبان‌های گروه جنوب غربی ایران قرار می‌گیرد. این زبان در منطقه لارستان، خنج، گراش، در بخش‌هایی از لامرد از جمله اشکنان، اسیر، اَهِل و مناطق وسیعی از استان هرمزگان (بخشی از بندرعباس، تمامی بندر لنگه، بستک، فرامرزان) گویشور دارد. این زبان بر اساس پژوهش‌های سلامی (۱۳۸۳) متشکل از ۲۱ گویش از جمله گویش اوزی، خنجی، گراشی، اشکنانی، فداغی، اسیری، بستکی، اهلی، بنارویی، فیشوری و... است.

همخوان‌های زبان لاری مانند فارسی است با این تفاوت که واج /h/ در این زبان وجود ندارد. به عنوان مثال واژه «همه» در زبان لاری به صورت «اَمَه» تلفظ می‌شود. همچنین واکه /ū/ در زبان لاری که در تلفظ واژه‌هایی مانند «مو» و «بو» به کار می‌رود، در زبان فارسی وجود ندارد اما نظیر این واکه را در زبان فرانسه می‌توان یافت. احمری (۱۳۷۷) معتقد است که این زبان دارای ۲۳ همخوان /ʔ, x, q, y, w, r, l, n, m, ǰ, /č, š, ž, z, s, v, f, g, k, d, t, p, b ، ۱۰ واکه ساده /ū, u, ō, o,I ,Ī , a,ā , e, ē/ و ٤ واکه مرکب /oy, ay, ey, ow/ است. همچنین ساختمان هجایی این زبان به صورت CV(C(C)) است.

امروزه در فضای مجازی و حتی در بین برخی افراد، کاربرد واژه «زبان اچمی» به جای زبان لاری مصطلح شده و رواج یافته است در حالی که بر اساس تحقیقات تاریخی و زبان‌شناسی صورت گرفته، واژه زبان اچمی هیچ پیشینه تاریخی و هیچ سندیتی ندارد و کاربرد این واژه کاملا نادرست است. یکی از دلایل ساخت این واژه وجود واژه «اچم» به معنای «برویم» با تلفظ‌های متفاوت در گویش‌های مختلف زبان لاری است. دلیل

دیگر که توضیح آن از حوصله این بحث خارج است، وجود برخی تعصب‌های بی‌پایه و اساسی است که برخی افراد نسبت به این واژه دارند و معتقدند که این زبان تنها متعلق به شهر لار و بخش مرکزی نیست و باید از واژه‌ای استفاده شود که دربرگیرنده کل شهرستان باشد. برخی از محققان از جمله اقتداری (۱۳۸٤) و دبیرمقدم (۱۳۹۲) در پژوهش‌های خود از واژه زبان لارستانی به جای زبان لاری استفاده کرده‌اند اما به نظر می‌رسد استفاده از واژه زبان لارستانی به جای زبان لاری نیز صحیح نیست زیرا پسوند «–ستان» پسوندی مکان‌سازی است که به اسم افزوده می‌شود و واژه‌هایی مانند کودک‌ستان، دشت‌ستان را می‌سازد. در تایید این ادعا می‌توان به زبان لری و کردی اشاره کرد. در این زبان‌ها به جای زبان لری از واژه زبان لرستانی و به جای واژه زبان کردی از واژه زبان کردستانی استفاده نمی‌شود. بنابراین استفاده از واژه زبان لاری که از لحاظ تاریخی و زبان‌شناسی تاییدشده و دارای پیشینه و سندیت تاریخی است مناسب‌تر و مورد تایید می‌باشد.

زبان لاری جزو زبان‌های ارگتیو دوجزئی محسوب می‌شود زیرا الگوی ارگتیو را فقط در ساخت گذشته داریم اما در ساخت حال الگوی فاعلی مفعولی داریم (عشقی، ۱۳۸۸). برای مثال در ساخت حال:

To æče<u>š</u> — تو می‌روی (لازم)

To Anæya šaæšnase<u>š</u> — تو آن‌ها را می‌شناسی (متعدی)

Anæya to <u>tæ</u>šnasen — آن‌ها تو را می‌شناسند (متعدی)

در ساخت گذشته:

To čede<u>š</u> — تو رفتی (لازم)

To Anæya <u>ot</u>šenaxt — تو آن‌ها را شناختی (متعدی)

Anæya šošenaxte<u>š</u> — آن‌ها تو را شناختند (متعدی)

۲. پیشینه پژوهش

پژوهشگران داخلی و خارجی از دیرباز درباره زبان لاری تحقیقاتی کرده‌اند. هریک از این پژوهش‌ها گوشه‌ای از این زبان را مورد مطالعه قرار داده است که از آن جمله می‌توان به راماسکویچ[1] (۱۹۴۵)، کامیوکا[2] و یامادا[3] (۱۳۵۸)، مالچانوا[4] (۱۹۸۲)، کامیوکا، رهبر و حمیدی (۱۳۶۵)، کلباسی (۱۳۶۷)، وثوقی (۱۳۶۹ و ۱۳۸۰)، اقتداری (۱۳۷۱و ۱۳۸٤)، کامیاب (۱۳۷۰)، سمیعی (۱۳۷۱)، احمری (۱۳۷۷)، سلامی (۱۳۸۳)، احمدنیا (۱۳۸۵)، عشقی(۱۳۸۸)، خنجی (۱۳۸۸)، دبیرمقدم (۱۳۹۲) اشاره کرد.

راماسکویچ روسی (۱۹٤۵) علاوه بر اطلاعات نژادشناسی تاریخی در مورد لارستان، زبان لاری را با فارسی مقایسه کرده است. کامیوکا و یامادا (۱۳۵۸) یک هزار واژه لاری را ثبت و دستگاه واجی این زبان را استخراج کرده‌اند و نیز مختصری درباره تکیه در این زبان بحث کرده‌اند. مالچانوا (۱۹۸۲) اولین زبان‌شناسی است که واژه زبان را برای زبان لاری به کار برده و معتقد است که پایه اصلی زبان لاری از مجموعه لغات سنتی تمام ایران تشکیل شده است. کامیوکا، رهبر و حمیدی (۱۳٦۵) یک هزار واژه لاری و خنجی را به لحاظ آوایی با هم مقایسه کرده‌اند. کلباسی (۱۳٦۷) دستگاه فعل در گویش لاری را مورد مطالعه قرار داده و انواع فعل را از نظر ساختمان به سه دسته ساده، پیشوندی و مرکب تقسیم‌بندی کرده است اما به دلیل گویشورنبودن نویسنده و داده‌های محدود، کاستی‌هایی دارد و در برخی موارد نیز واج‌نگاری کلمات نادرست است. وثوقی (۱۳٦۹) پس از نگاهی گذرا به تاریخ لارستان، به دگرگونی واج‌ها پرداخته و سپس مصدرها و صرف فعل را به همراه معانی فارسی آن‌ها آورده است. اما از آن جایی که نویسنده زبان‌شناس نیست، از دیدگاه زبان‌شناسی نیاز به بررسی و تحلیل بیشتری است. وی (۱۳۸۰، ص ۳۹) معتقد است که زبان لاری از لهجه‌های متعددی از

---

[1] Ramaskevic
[2] Kamioka
[2] Yamada
[4] Malcanova

جمله گراشی، اوزی، خنجی، بستکی، فرامرزی، بیخه‌ای و کومزاری تشکیل شده است که در نواحی وسیعی از جنوب فارس، استان هرمزگان و در بخشی از عمان گویشور دارد. کامیاب (۱۳۷۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود واژه‌نامه ریشه‌شناسانه زبان لاری همراه با توصیف صوتی آن ارائه داده است. احمری (۱۳۷۷) واژه‌نامه مقایسه‌ای بین بلوچی، کردی، لری، لاری ارائه کرده است. احمدنیا (۱۳۸۵) به بررسی نظام آوایی از جمله قاعده همگونی، ناهمگونی، حذف، قلب در گویشی از زبان لاری پرداخته است. وی علیرغم این که در پایان‌نامه‌اش از منابع و پژوهش‌هایی استفاده کرده است که درباره زبان لاری است و به لحاظ تاریخی و زبان‌شناسی هیچ سندیتی برای استفاده از واژه اچمی وجود ندارد؛ اما با این وجود بدون ارائه شواهد و دلایل، زبان لاری را گویشی از زبان اچمی می‌داند. عشقی (۱۳۸۸) واژه زبان لارستانی را به کار برده و نظام ارگتیو را در گویشی از این زبان بررسی کرده است. وی به این نتیجه رسیده که در این زبان ارگتیو تنها در ساخت گذشته وجود دارد ولی در ساخت حال، الگوی فاعلی مفعولی است. خنجی (۱۳۸۸) به ساختار آوایی، صرفی و نحوی زبان لاری پرداخته اما از دیدگاه زبان‌شناسی، نگارش آوانویسی این کتاب خالی از اشکال نیست. دبیرمقدم (۱۳۹۲) از واژه زبان لارستانی استفاده کرده و در فصلی از کتابش این زبان را به لحاظ رده‌شناختی مورد بررسی قرار داده است. وی معتقد است که به دلیل شباهت فوق‌العاده زیاد بین ویژگی‌های رده‌شناختی زبان لاری و زبان فارسی در مولفه ترتیب واژه‌ها، احتمال همگرایی بین این زبان به عنوان لایه زیرین فارسی دور از انتظار نخواهد بود (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ٤٠١). تحقیق در زبان لاری یا به وسیله غیرزبان‌شناسان صورت گرفته و یا تجزیه و تحلیل ساخت نحوی، صرفی و آوایی این زبان به صورت مجزا صورت نگرفته است. در این مقاله به بررسی نوعی از فرایند واجی به نام «فرایند همگونی» در زبان لاری پرداخته شده است.

۳. فرایند همگونی و انواع آن در زبان لاری

۳-۱. تعریف همگونی

هر نوع دگرگونی را که بر نوع، محل و تعداد واج‌ها یا ساختمان هجا تاثیر بگذارد فرایند واجی می‌شماریم (باقری،۱۳۸۰، ص۱۱٤). رابطه بین نماهای واجی تکواژها و نماهای آوایی آن توسط قواعد واجی یک زبان توصیف می‌شود. در هر قاعده واجی سه چیز نمایش داده می‌شود: تغییرات آوایی، نوع تغییر و محیط یا بافت آوایی که تغییر در آن صورت می‌گیرد. انواع فرایندهای واجی عبارتند از: همگونی، ناهمگونی، حذف، اضافه، قلب وابدال. در این مقاله به مهم‌ترین و متداول‌ترین نوع فرایند واجی یعنی فرایند همگونی در زبان لاری پرداخته می‌شود.

در همگونی مختصه‌ای از یک واحد آوایی تغییر می‌یابد و با مختصه‌ای از واحد آوایی مجاور خود شبیه می‌شود. فرامکین (۱۳۷٦) قاعده همگونی را این‌گونه تعریف می‌کند: «این قاعده یک صوت را به‌وسیله کپی‌کردن یا انتشار دادن یک مختصه از دو واج متوالی همگون می‌سازد و دو واج را بیشتر به هم شبیه می‌کند». عدم استفاده از همگونی در زبان باعث می‌شود که گفت‌وگو بسیار تصنعی جلوه کند. فرایند همگونی نوعی ساده‌سازی حرکات عضلانی است که برای تولید یک واژه یا عبارت ضروری به وجود می‌آید (زعفرانلو، ۱۳۸۵: ۱٦۷). ینسن[۱] (۱۹۹۰: ۱٦۰) می‌نویسد: «واژه assimilation از دو تکواژ لاتینی -ad به معنای «به سوی» و similis به معنای «مشابهت» مشتق شده است. در همین واژه، نمونه‌ای از همگونی دیده می‌شود، زیرا همخوان d در تکواژ -ad از طریق فرایند همگونی به s در آغازه تکواژ دوم تبدیل شده است». مک کارتی[۲] (۱۹۸۸) معتقد است که فرایند همگونی تنها در سطح واجی صورت نمی‌گیرد بلکه در این فرایند، گسترش یک مشخصه حتی در سطحی فراتر از سطح واجی است. به دنبال این فرض، گلداسمیت[۳] (۱۹۸۱) بنیاد هندسه مشخصه‌ای را برای اولین بار ارائه کرد.

---
[1] Jensen
[2] McCarthy
[3] Goldsmith

۳-۲. انواع همگونی در زبان لاری

۳-۲-۱. همگونی به لحاظ جهت:

در زبان لاری، همگونی‌ها به لحاظ جهت به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. **همگونی پیش‌رو**: در این نوع همگونی یک آوا بر آوای بعد از خود تاثیر می‌گذارد و آن آوا را در یک یا چند مشخصه شبیه خود می‌کند (زعفرانلو، ۱۳۸۵: ۱٦۹). به عبارت دیگر، در این نوع همگونی، واحد واجی اول ثابت می‌ماند ولی واحد واجی دوم در یک یا چند مشخصه با واحد واجی اول همگون می‌شود. به عنوان نمونه:

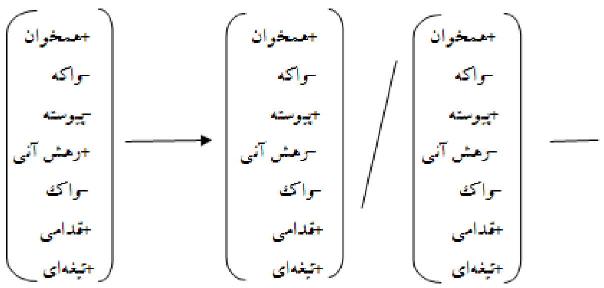
پِسَّه (= پسته) /Pesta/ → [Pessa]

کَرمُسَّه (=کرمستج: نام یکی از روستاهای لار) /karmostaj/ → [karmossa]

دَسَّه (= دسته) /dasta/ → [dassa]

در این کلمات همگونی به این صورت است: /t/ → [s] / s ___

همانطور که می‌بینیم در واژه‌های بالا واحد واجی اول /s/ تغییر نکرده اما واحد واجی دوم/t/ تبدیل به /s/ شد.



مثال دیگری از این نوع همگونی در واژه «مسجد» وجود دارد اما این واژه در فارسی تحت تأثیر همگونی دوسویه قرار می‌گیرد.

مَسّد (= مسجد)   /ǰ/ ⟶ [s] / ___ s   /masjed / ⟶ [massed]

+همخوان	⟶	+همخوان	/	___ +همخوان
-واکه		-واکه		-واکه
+واک		-واک		-واک
-پیوسته		+پیوسته		+پیوسته
+تیغه‌ای		+تیغه‌ای		+تیغه‌ای
-قدامی		+قدامی		+قدامی
-رهش آنی				

۲. **همگونی پس‌رو:** در این نوع همگونی که متداول‌تر از دیگر انواع همگونی است، یک آوا بر آوای قبل از خود تاثیر می‌گذارد و آن را در یک یا چند مشخصه شبیه خود می‌کند (زعفرانلو، ۱۳۸۵: ۱٦۹). این همگونی ممکن است در یک واژه یا در مرز دو واژه صورت بگیرد. در این نوع همگونی، آوای دوم ثابت می‌ماند و آوای اول دستخوش همگونی می‌شود. به عنوان نمونه:

صتّا (= صد تا)   /d/ ⟶ [t] / ___ ≠ + t   /sad tā/ ⟶ [sattā]

بَتّر (= بدتر)   /d/ ⟶ [t] / ___ ≠ + t   /bad tar/ ⟶ [battar]

+همخوان	⟶	+همخوان	/	___ ≠ + +همخوان
-واکه		-واکه		-واکه
+واک		-واک		-واک
+رهش آنی		+رهش آنی		+رهش آنی
+قدامی		+قدامی		+قدامی
+تیغه‌ای		+تیغه‌ای		+تیغه‌ای

امبل (= انبُر)   /n/ ⟶ [m] / ___ b   /anbol / ⟶ [ambol]

+همخوان	⟶	+همخوان	/	___ +همخوان
-واکه		-واکه		-واکه
+خیشومی		+خیشومی		+واک
+رهش آنی		+رهش آنی		+رهش آنی
+قدامی		+قدامی		+قدامی
+تیغه‌ای		-تیغه‌ای		-تیغه‌ای

۳. **همگونی دوسویه**: در این نوع همگونی دو واج مجاور بر روی هم تاثیر متقابل دارند (زعفرانلو، ۱۳۸۵: ۱۷۰). برای مثال در زبان فارسی واژه «مسجد» به صورت «مجّد» بیان می‌شود. به این نوع تاثیر متقابل واج /s/ و /ĵ/ بر روی هم همگونی دوسویه گفته می‌شود. این نوع همگونی در زبان لاری وجود ندارد.

۳-۲-۲. همگونی به لحاظ درجه شباهت

این نوع همگونی به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱. **همگونی ناقص**: وقتی یک یا چند مشخصه یک آوا به واحد آوایی مجاور گسترده شود؛ به عبارتی، وقتی یک واحد آوایی تنها پاره‌ای از مختصات آوایی آوای مجاورش را بگیرد همگونی از نوع ناقص است (زعفرانلو، ۱۳۸۵: ۱۷۰). به عنوان نمونه:

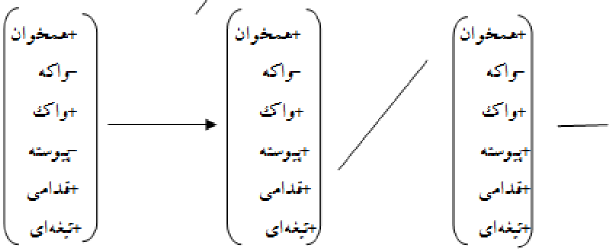
جمبَه (= ظرفیت)	/janba/ ⟶ [jamba]
تمب (= پشته)	/tonb/ ⟶ [tomb]
اَمبَه (= انبه)	/ʔanba/ ⟶ [ʔamba]
همگونی در تمام کلمات بالا:	/n/ ⟶ [m] / __ b

قاعده همگونی این مثال، در قسمت همگونی پس‌رو به صورت مشخصه ماتریکسی بیان شده است. از این رو مشخصه ماتریکسی این مثال تکرار نشده است.

۲. **همگونی کامل**: زمانی که همه مشخصه‌های یک آوا به آوای مجاورش گسترش یابد به طوری که هر دو آوا از هر نظر شبیه به هم بشوند همگونی کامل صورت گرفته است (زعفرانلو، ۱۳۸۵: ۱۷۰). به عنوان نمونه:

دزی (= دزدی) /dozdi/ → [dozzi] /d/ → [z] z / —

نزیک (=نزدیک) /nazdik/ → [nazzik] /d/ → [z] z / —



بَسّک (= بستک) /Bastak/ → [Bassak] /t/ → [s] / s —

قاعده همگونی این مثال نیز به صورت مشخصه ماتریکسی در همگونی پیش‌رو آمده است.

۳-۲-۳. همگونی به لحاظ پیوستگی

به لحاظ پیوستگی دو نوع همگونی داریم:

۱. **همگونی پیوسته**: تاثیر واحدهای واجی مجاور بر یکدیگر را همگونی پیوسته می‌گویند (زعفرانلو، ۱۳۸۵: ۱٦۸). این نوع همگونی معمولا بین دو همخوان یا یک واکه و یک همخوان به وجود می‌آید مثلا در واژه‌های «تمب [tomb] و نزیک [nazzik]».

۲. **همگونی ناپیوسته**: تاثیر واحدهای واجی غیرمجاور بر یکدیگر از نوع همگونی ناپیوسته است (زعفرانلو، ۱۳۸۵: ۱٦۸). همگونی ناپیوسته در بین واکه‌ها به صورت نوعی هماهنگی واکه‌ای یا اوملات دیده می‌شود. برای مثال در کلمه «بُخو/boxo/».

۳-۳. فرایندهای همگونی در زبان لاری

۳-۳-۱. همگونی همخوان با همخوان

به فرایندی که طی آن یک یا چند مشخصه آوایی یک همخوان به همخوان مجاور گسترش یابد، همگونی همخوان با همخوان گفته می‌شود (زعفرانلو، ۱۳۸۵: ۱۷۱). در

این نوع همگونی ممکن است همگونی در واک، جایگاه تولید و یا همگونی در شیوه تولید باشد.

۱. **همگونی در واک**: در این فرایند دو همخوان از نظر بی‌واکی یا واکداری همگون می‌شوند.

/bad tar/ ⟶ [battar] بَتَر (= بدتر)

/sard tar/ ⟶ [sarttar] سرتَر (= سردتر)

در مثال‌های بالا همخوان واکدار /d/ تحت تأثیر همخوان بی‌واک /t/ قرار گرفته و واکرفته شده است یعنی:

/d/ ⟶ [t] / ___ ≠ +t

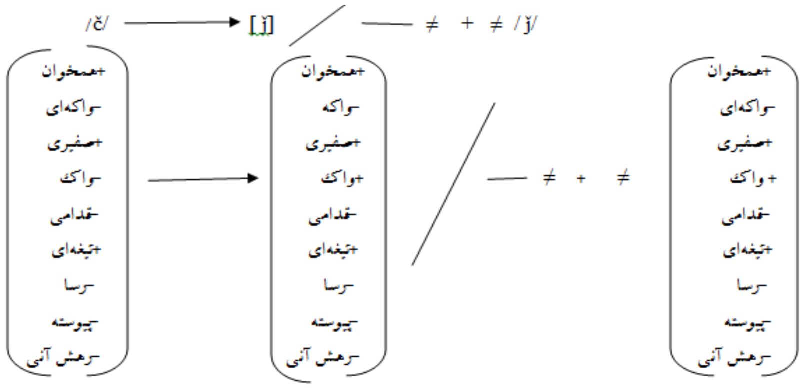
بنابراین قاعده همگونی می‌شود:

+همخوانی	⟶	+همخوان	/	___	+همخوانی
-واکه‌ای		-واکه			-واکه‌ای
+واک		-واک			-واک
+رهش آنی		+رهش آنی			+رهش آنی
+قدامی		+قدامی			+قدامی
+تیغه‌ای		+تیغه‌ای			+تیغه‌ای

در مثال‌های زیر همخوان بی‌واک /č/ تحت تأثیر همخوان واکدار مجاورش /ǰ/ قرار گرفته و با آن همگون می‌شود:

/ič ǰā/ ⟶ [ʔiǰǰā] ایججا (=هیچ جا)

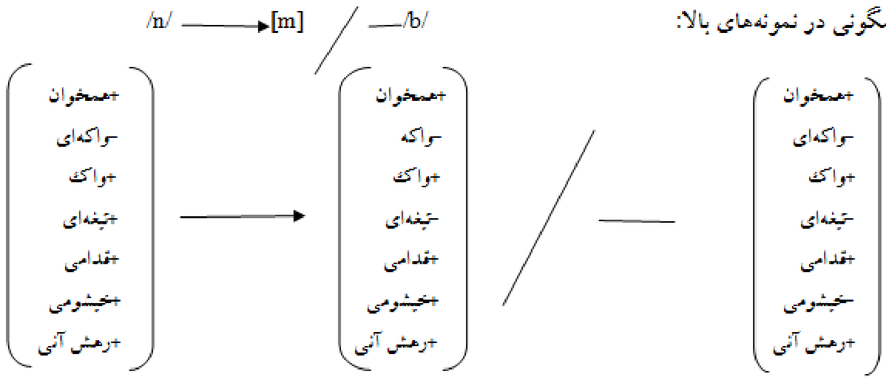
/ič ǰūri/ ⟶ [ʔiǰ ǰūri] ایججوری (=هیچ جوری)



۲. **همگونی در جایگاه تولید**: در این فرایند دو همخوان به لحاظ جایگاه تولید باهم همگون می‌شوند. این نوع همگونی معمولا در درون هجا، در مرز دو هجا، در دو تکواژ یا دو واژه دیده می‌شود.

امبل (= انبر)	[ʔambol]	/anbol/ →
جمبه (= ظرفیت)	[jamba]	/janba/ →

همگونی در نمونه‌های بالا:

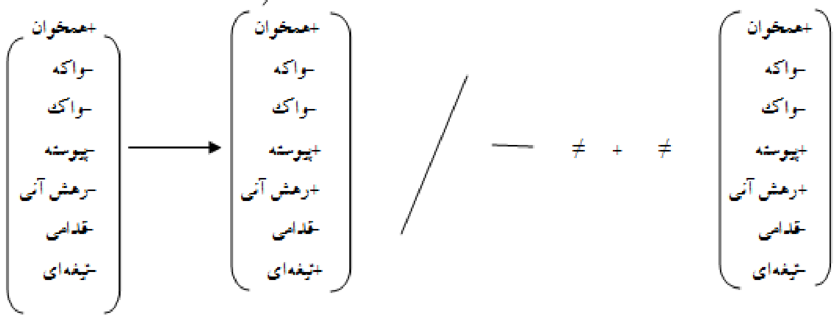


۳. **همگونی در شیوه تولید**: دو همخوان از نظر شیوه تولید باهم همگون می‌شوند.

هیچ‌کی (= هیچ کس)	[ʔiš ki]	/ič ki/ →
هیچ‌کری (= هیچ کاری)	[ʔiš kāri]	/ič kāri/ →

در مثال‌های بالا:

/č/ → [š] / ___ ≠ + ≠ /k/



در نوعی از این همگونی مشخصه نحوه تولید سایشی به انسدادی گسترده می‌شود؛ مثلا در مثال‌های زیر همگونی تیغه‌ای انسدادی t و d با همخوان‌های سایشی s و z است:

/dozdi/ → [dozzi]

/dasta/ → [dassa]

۳-۳-۲. همگونی همخوان با واکه

در این فرایند همخوان با واکه ممکن است به لحاظ شیوه تولید یا جایگاه تولید همگون شود (زعفرانلو، ۱۳۸۵: ۱۸۰).

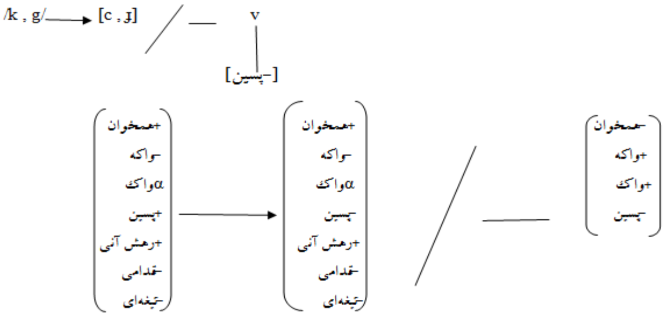
۱. **همگونی همخوان با واکه به لحاظ جایگاه تولید**: در این فرایند یک همخوان از نظر جایگاه تولید با واکه همگون می‌شود.

/gana/ → [ɟana] گنه (=کثیف)

/kif/ → [cif] کیف

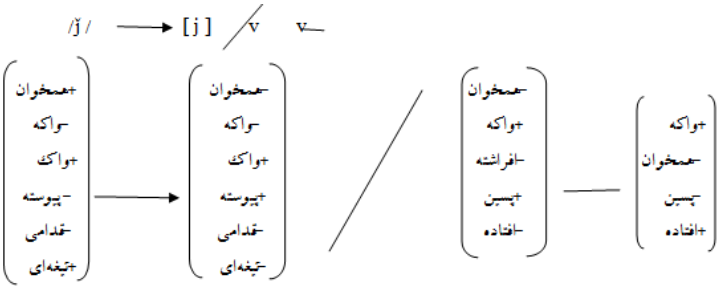
/gil/ → [ɟil] گیل (=فاسد)

در مثال‌های بالا همخوان‌های نرمکامی /k/ و /g/ به لحاظ جایگاه تولید با واکه بعد از خود همگون می‌شوند؛ یعنی این همخوان‌ها در مجاورت با واکه‌های [−پسین]، مختصه [−پسین] می‌گیرند و به صورت [c] و [ɟ] تلفظ می‌شوند:



۲. **همگونی همخوان با واکه به لحاظ شیوه تولید**: در این نوع همگونی یک همخوان به لحاظ شیوه تولید با واکه همگون می‌شود.

اکیا (= در کجا؟) [akojā] ← /akoǰa/ همگونی در این واژه به این صورت است:



۳-۳-۳. همگونی واکه با همخوان

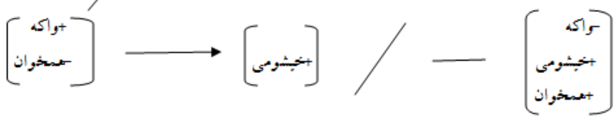
در این فرایند یک واکه در یک یا چند مشخصه با همخوان همگون می‌شود (زعفرانلو، ۱۳۸۵: ۱۹۹). به عبارت دیگر یک واکه تحت تاثیر ویژگی‌های همخوان مجاور قرار می‌گیرد و با همخوان همگون می‌شود.

۱–خیشومی‌شدگی یکی از مهم‌ترین انواع همگونی واکه با همخوان است. در این فرایند واکه قبل از همخوان‌های خیشومی، خیشومی می‌شود؛ برای مثال در کلمه «مُنی» واکه /o/ در مجاورت همخوان خیشومی /n/ خیشومی می‌شود.

اینگو (= ویار) [ĩngu] ← /ingu/

مُنی (= نداریم) [mÕni] ← /moni/

/v/ → [ṽ] / ___ /m, n/

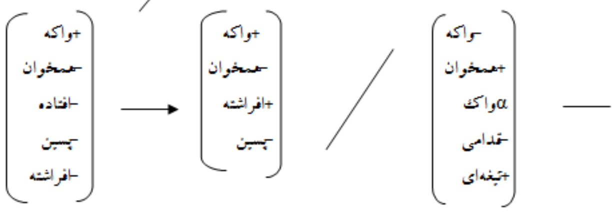


۲. نوع دیگری از همگونی واکه با همخوان، همگونی واکه/ e/ با همخوان‌های / š, ž, ǰ, č/ است. واکه /e/ در همنشینی با این همخوان‌ها که همگی کامی هستند و بسته‌تر از /e/ تلفظ می‌شوند، این واکه مختصه نیم‌بسته خود را از دست می‌دهد و مختصه بستگی حاصل می‌کند:

یَک بچی (= بچه‌ای) /yak beči / → [yak biči]

بِجی (= گنجشک) / beji/ → [biji]

قاعده همگونی: /e/ → [i] / /š, ž, ǰ, č/ ___



۳-۳-٤. همگونی واکه با واکه

در این فرایند یک واکه تحت تاثیر واکه دیگری در هجای مجاور، بخشی از مشخصه‌های آوایی خود را از دست می‌دهد و به جای آن یا کاملا مختصات واکه مجاور را می‌پذیرد یا شبیه مشخصه نزدیک به آن‌چه در هجای مجاور است می‌شود (زعفرانلو، ۱۳۸۵: ۱۹۰).

۱. **همگونی واکه میانی با واکه افراشته**: در واژه‌هایی که هجای اول آن هجای کوتاه cv و مرکز هجای آن واکه /e/ و هسته هجای دوم آن /i/ باشد، این همگونی صورت می‌گیرد؛ به عنوان نمونه:

کِلیک (= انگشت) /kelik/ → [kilik]

کِبری (= کبریت) /kebri/ → [kibri]

کِلیل (= کلید) /kelil/ → [kilil]

بنابراین: /e/ → [i] / c — ≠c v

[+افراشته، +پیشین]

[+واکه، -همخوان، -افراشته، -پسین، -افتاده] → [+واکه، -همخوان، +افراشته، -پسین] / [+همخوان، -واکه] — ≠ [+همخوان، -واکه] [+واکه، -همخوان، +افراشته، -پسین]

۲. **همگونی واکه‌ای بین واکه تکواژ امر و واکه ستاک**: بین واکه تکواژ امر /-be/ و واکه ستاک نوعی همگونی در مشخصه پسین دیده می‌شود و واکه /e/ در تکواژ امرساز در مجاورت با واکه /o/ در ستاک فعلی به /o/ تبدیل می‌شود.

بُخو (= بخور) /be-xo/ → [boxo]

بُکُ (= بکن) /be-ko/ → [boko]

بُبو (= ببر) /be- bu/ → [bobu]

قاعده همگونی: /e/ → [o] / b — + c v

[-افراشته، + پسین]

[+واکه، -همخوان، +واک، -پسین، -افتاده، -افراشته] → [+واکه، -همخوان، +واک، +پسین، -افتاده، -افراشته] / [-واکه، +همخوان، +واک، +قدامی، +رهش آنی، -غنه‌ای] — + [+همخوان، -واکه] [+واکه، -همخوان، -افراشته، +پسین]

نابو (= نمی‌شود) /ne-abū/ → [nābū]

ناخورِم (= نخواهم خورد) /ne-axorem/ → [nāxorem]

ناچِم (= نمی‌روم) /ne-ačem/ → [năčem]

قاعده‌ی همگونی در مثال‌های بالا :

/e/ → [ā] / n ___ + c v

[−پسین، −افراشته] (v)

[+واکه، −همخوان، −پسین، −افراشته، −افتاده] → [+واکه، −همخوان، +پسین، −افراشته] / [−واکه، +همخوان، +خیشومی، +قدامی، +تیغه‌ای] ___ + [−واکه، +همخوان] [+واکه، −همخوان، +افراشته، −پسین]

بنابراین داده‌های ۳ در ۳–۳–٤ نشان می‌دهد که بین واکه تکواژ نهی و واکه تکواژ ستاک نوعی هماهنگی واکه‌ای صورت گرفته و برخلاف دبیرمقدم (۱۳۹۲: ٤۰۰) این نوع تغییرات در نتیجه ادغام نیست. اگر این تکواژ نهی با ستاک فعلی ترکیب شود که با انسداد چاکنایی شروع شده باشد واکه /a/ در تکواژ نهی به /i/ تبدیل می‌شود و بین این دو واکه، صامت میانجی /j/ قرار می‌گیرد.

نیوند (= نیامد) /ne- ond/ → [nijond]

اُمنیَو (= نیاوردم) /om-ne- aw/ → [omnijaw]

ضمیر مفعولی (om) — تکواژ نهی (ne) — ستاک فعل (aw)

قاعده‌ی همگونی:

/e/ → /i/ / n ___ + j + c v(c)

[صامت میانجی] (j) [+انسداد چاکنایی] (c)

[−همخوان، +واکه، −پسین، −افراشته، −افتاده] → [−همخوان، +واکه، −پسین، +افراشته] / [+همخوان، −واکه، +خیشومی، +قدامی، +تیغه‌ای] ___ + [−همخوان، −واکه، +واک، −قدامی، +تیغه‌ای] + [+همخوان، −واکه، −واک، −قدامی، −تیغه‌ای، +رهش آنی] [−همخوان، +واکه] [+همخوان، −واکه]

٤. نتیجه‌گیری

بر اساس داده‌های زبان لاری مشخص شد که همگونی به لحاظ جهت شامل دو نوع، همگونی پیش‌رو و پس‌رو می‌باشد و بر خلاف عقیده احمدنیا (۱۳۸۵) در این زبان همگونی دوسویه نداریم. همچنین در این زبان همگونی به لحاظ شباهت شامل همگونی کامل و ناقص است و به لحاظ پیوستگی، همگونی پیوسته و ناپیوسته وجود دارد. علاوه بر این در این مقاله انواع فرایندهای همگونی در زبان لاری با مثال‌هایی از این زبان همراه با قاعده همگونی آن ذکر شد. فرایند همگونی در این زبان شامل همگونی همخوان با همخوان، همخوان با واکه، واکه با همخوان و واکه با واکه (هماهنگی واکه‌ای) است. فرایند همگونی همخوان با همخوان شامل همگونی در واک، جایگاه تولید و شیوه تولید است. در همگونی همخوان با واکه، همگونی در جایگاه و شیوه تولید وجود دارد اما همگونی در واک در همگونی همخوان با واکه در زبان لاری وجود ندارد. فرایند همگونی واکه با همخوان شامل همگونی واکه /e/ با همخوان‌های /š, ž, ǰ, č/ و همگونی واکه با همخوان‌های خیشومی است. در همگونی واکه با واکه در این زبان سه نوع همگونی وجود دارد؛ نوع اول همگونی واکه میانی با واکه افراشته، نوع دوم همگونی واکه تکواژ امر با واکه ستاک فعلی و نوع سوم همگونی واکه تکواژ نهی با واکه ستاک فعلی.

فهرست منابع

احمدنیا، مهدی (۱۳۸۵) *بررسی نظام آوایی زبان اچمی بر اساس واج‌شناسی زایشی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه رازی کرمانشاه.

احمری، پروانه (۱۳۷۷) *واژه‌نامه مقایسه‌ای و ریشه شناسانه چهارگویش بلوچی، کردی، لری و لاری*»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه شیراز.

اقتداری، احمد (۱۳۷۱) *لارستان کهن و فرهنگ لارستانی*، تهران: نشر جهان معاصر.

اقتداری، احمد و صادق رحمانی (١٣٨٤) *زبان لارستانی*، تهران: نشر همسایه.

باقری، مهری (١٣٨٠) *مقدمات زبان‌شناسی*، تهران: قطره.

خنجی، لطفعلی (١٣٨٨) *نگرشی تفصیلی به زبان لارستانی و گویش خنجی*. شیراز: ایلاف.

دبیرمقدم، محمد (١٣٩٢) *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*، تهران: سمت.

سلامی، عبدالنبی (١٣٨٣) *گنجینه گویش‌شناسی فارس*، ج ٤، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

سمیعی، رحمت‌الله (١٣٧١) *بررسی گویش لاری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه شیراز.

عشقی، قاسم (١٣٨٨) *ارگتیو در گویش لارستانی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی، دانشگاه کردستان.

فالک، جولیا اس (١٣٧٧) *زبان و زبان‌شناسی*، تهران: جانزاده.

فرامکین، ویکتوریا و رابرت رادمن (١٣٧٦) *درآمدی بر زبان‌شناسی همگانی*، ترجمه علی بهرامی، تهران: رهنما.

کامیاب، خواجه نظام‌الدین (١٣٧٠) *واژه‌نامه ریشه‌شناسانه گویش لاری همراه با توصیف صوتی آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه شیراز.

کامیوکا، کوجی و عطاالله رهبر و علی‌اکبر حمیدی (١٣٦٥) *مطالعات لارستانی۲*، توکیو: مؤسسه مطالعات زبان و فرهنگ‌های آسیا و آفریقا.

کامیوکا، کوجی و مینورا یامادا (١٣٥٨) *مطالعات لارستانی* ۱، توکیو: مؤسسه مطالعات زبان و فرهنگ‌های آسیا و آفریقا.

کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه (١٣٨٥) *واج‌شناسی: رویکرد قاعده بنیاد*، تهران: سمت.

کلباسی، ایران (١٣٦٧) «دستگاه فعل در گویش لاری»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*، شماره ۷۹.

وثوقی، محمدباقر (۱۳٦۹) *لار شهری به رنگ خاک*. تهران: مؤسسه نشر کلمه.

وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۰) *لارستان*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

Goldsmith, J. (1981) “English as a tone language”. *Phonology in the 1980's*, edited by D.L. Goyvaerts, 287-308. Ghent, Belgium: E. Story-Scientia.

Jensen, John T. (1990) *Principles of Generative Phonology*, Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.

Malcanova (1982) *Larestanski yezik*, izdatelsua nauka, Mosko.

McCarthy, J.J. (1988) “Feature Geometry and Dependency: A Review”, *Phonetica* 43, pp: 84-108

Ramaskevic, A. (1945) *Iraneski yaziki*, Moskow.

Yule, George (1996). *The study of language*. Cambridge: Cambridge University Press.